

اصلاح گسترش

در صحنه

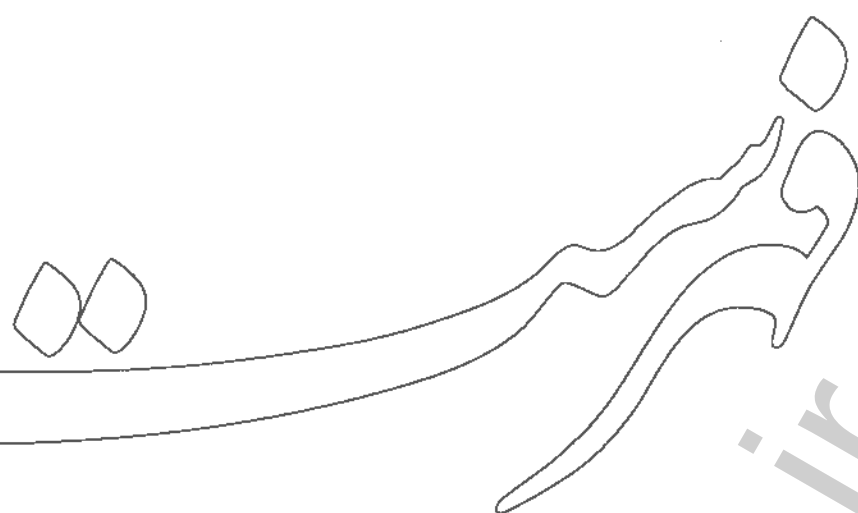
شیلا کنبی
دکتر یعقوب آرژند (استاد دانشگاه تهران)

پیشگام
انتشارات فرد گسترش دفتر
زمستان ۱۳۸۶

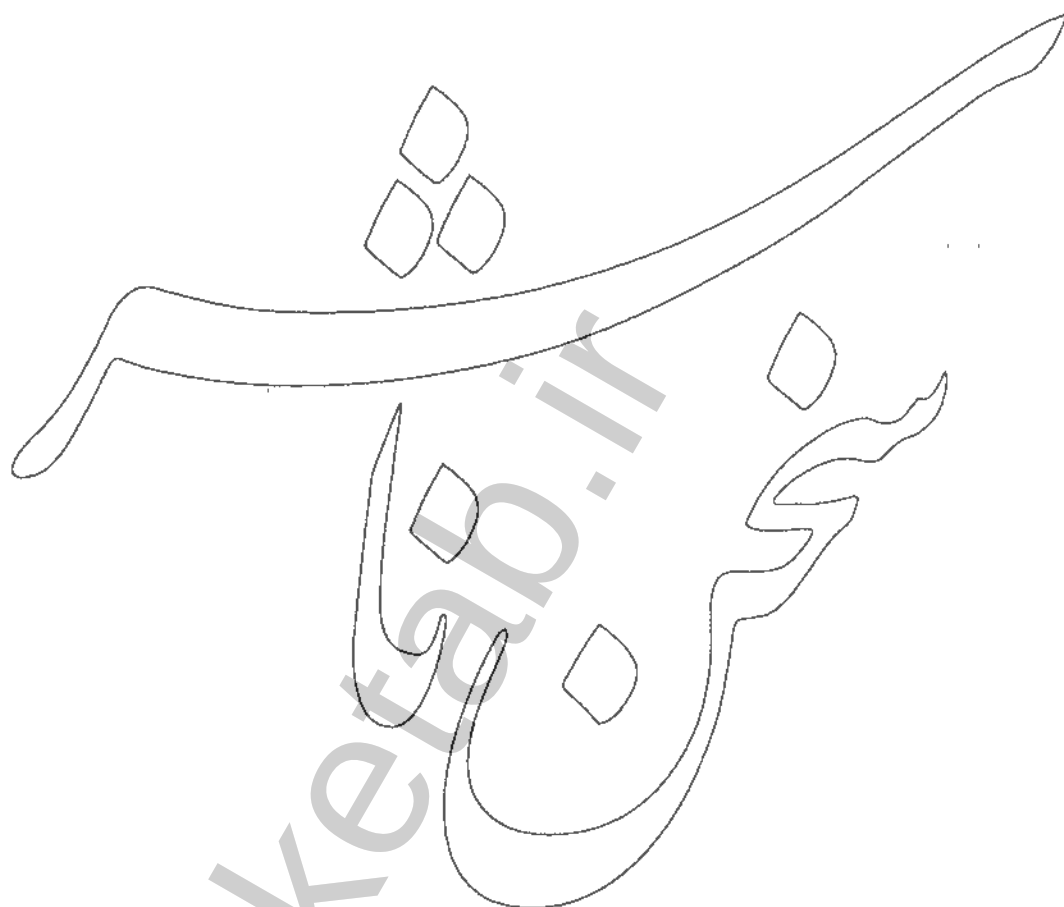
Canby, Sheila R.	کنبی، شیل رضا عباسی اصلاح‌گر سرکش / شیلالکنبی: مترجم یعقوب آژند. -- تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۴. ۳۲۸ ص: مصور (رنگی).
ISBN 964-8802-34-3	فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا. عنوان اصلی: ۱. عباسی، رضابن علی‌اصغر، ۹۷۴-۱۰۴۴ ق. ۲. تذهیب ایرانی. ۳. مینیاتور ایرانی. ۴. تذهیب -- ایران -- اصفهان. الف. آژند، یعقوب، مترجم. ب. فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران. ج. عنوان. ND ۳۳۹۹ / ع ۲ ک ۹ ۱۳۸۴ کتابخانه ملی ایران
The rebellious Reformer: the drawings and paintings of Riza-yi Abbasi of Isfahan, c 1996.	
۷۴۵ / ۶۷۴۰۹۵۵	
م ۸۴ / ۳۸۷۹۸	

هنرستان

انتشارات فرهنگستان هنر
رضا عباسی اصلاح‌گر سرکش
شیلالکنبی
مترجم: یعقوب آژند
ویراستار: احمد رضا قفا
مدیر هنری: رضا عابدینی
صفحه‌آرایی: مریم عنایتی
نمایه: داود شریفیان
چاپ اول: زمستان ۱۳۸۴
شمارگان: ۴۰۰۰ نسخه
لینوگرافی، چاپ و صحافی:
سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
شماره: ۹۶۴.۸۸۰۲-۳۴۴-۳
ISBN: 964-8802-34-3
کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.
نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از چهارراه امام خمینی (ره).
نیش کوچه شهید حسن سخنور، پلاک ۱۵، فرهنگستان هنر.
تلفن: ۶۶۴۸۵۸۶۸.۹
صندوق پستی: ۱۳۱۴۵، ۱۳۷۷
www.honar.ac.ir



سخن ناشر	۹
سیمای کتاب	۱۲
مقدمه	۱۹
درآمد	۱۲۲
فصل اول: ایران دوره صفوی	۲۹
فصل دوم: شرح احوال و نامگان مختلف رضا	۴۹
فصل سوم: محیط هنری و آثار نخستین رضا	۴۹
فصل چهارم: روستائیان، لوندان و زائران (دهه ۹۹۸ ه. ق. / ۱۵۹۰ میلادی)	۷۳
فصل پنجم: تک چهره‌های اصفهان	۹۹
فصل ششم: دوران سرکشی	۱۱۵
فصل هفتم: کتاب آرایه	۱۲۷
فصل هشتم: طراحی‌های رضا از روی آثار بهزاد	۱۷۲
فصل نهم: شیوخ، دراویش و درباریان (دهه ۱۰۲۹ ه. ق. / ۱۶۲۰ میلادی)	۱۸۵
فصل دهم: دلبران، عشاق، طرّفه‌خویان / نتیجه‌گیری	۲۱۷
کاتالوگ	۲۲۵
افزوده یک: تاریخ نگارگری درباره رضا	۲۶۷
افزوده دو: فهرست آثار تاریخ‌دار به ترتیب تاریخی	۳۸۲
افزوده سه: انتسابهای مردود و مشکوک	۳۸۷
فهرست تصاویر	۴۹۷
کتاب‌شناسی	۴۱۶
نمایه	۴۲۵



هنر حاصل ذوق، حس زیبایی شناسی هنرمند، تجربیات و آموخته‌های اوست. در این مسیر، در تعامل با هنر و دانش اقوام و ملل دیگر، بر غنای تجربه خود می‌افزاید و افق دید خویش را می‌گسترده و از این رهگذر است که آثار و اندیشه‌های هنری به منصه ظهور می‌رسد و میراث هنری شکل می‌گیرد. این میراث هنری جلوه تلاش هنرمندان، اندیشمندان و انسانهایی است که در آفرینش اثری زیبا سهم داشته‌اند. در واقع، آنچه به عنوان دست ساخته‌های انسانی در قالب تابلویی چشم‌نواز، بنایی عظیم، مجسمه‌ای زیبا و خطوط اسرارآمیز خودنمایی می‌کند، تحت تأثیر انگاره‌ها و اندیشه‌های رایج در تمدنهای گوناگون بشری است. مهم آن است که این میراث را بشناسیم و ابعاد گوناگون هنری، فلسفی، تاریخی، جامعه‌شناختی، انسان‌شناختی و... آن تحلیل و بررسی شود.

بر همین اساس فرهنگستان هنر در چارچوب رسالت نشر، ترویج و حمایت از هنر، علاوه بر برپایی همایش‌های بین‌المللی، هم‌اندیشی‌ها و نمایشگاه‌های مختلف، با انتشار مجموعه آثاری در حوزه‌های گوناگون هنر سعی در پاسخگویی به نیاز هنرمندان و محققان در این زمینه دارد.

هنر نگارگری از جمله این حوزه‌هاست که انتشارات فرهنگستان هنر به آن پرداخته و در این خصوص ترجمه و تألیف چندین جلد کتاب را در دست اقدام دارد. یکی از این مجموعه‌ها اثر ارزشمند شیلا کنبی، پژوهشگر نام‌آور تاریخ هنر ایران است که پس از کتاب «مروری بر نگارگری ایرانی»، اثر اولگ گرابر، دومین نمونه از این سلسله کتابهاست که منتشر می‌شود.

این کتاب از جمله آثار مهمی است که درباره رضا عباسی و کارستان او تحقیق و تألیف شده است. در این کتاب محقق به تمامی منابع تصویری و مکتوب رجوع کرده تا این فرضیه را به اثبات برساند که رضا، آقارضا و رضا عباسی یک نفر هستند، نه سه نفر.

امید است چاپ آن مورد استفاده هنرمندان و محققان قرار گیرد.

انتشارات فرهنگستان هنر

زمستان ۱۳۸۴

www.ketab.ir



از زمانی که کاربرد روش علمی و پژوهشهای جدید در قلمرو هنرهای تجسمی ایران شروع شده همواره این سؤال مطرح بوده که آیا آقا رضا، رضا، و رضا عباسی یک تن هستند یا سه تن؟ مطالعه و تعمق هنرپژوهان بیشتر بر این رویکرد استوار بوده که اینها سه تن هستند و آثار آنها، ساختار، نظم، و ترکیب بندی خاص خود را دارد که متفاوت از یکدیگر می‌نماید. این دیدگاه را بیشتر هنرشناسانی مطرح می‌کردند که دستمایه نظریه‌شان آثار موجود رضا بوده و چه بسا از عنصر دلالتی‌گری آثار هنری و ارتقای قیمت آنها در حراجیه‌های می‌گرفته و متون تاریخی و فحوص دقیق اسناد و شواهد در زمینه‌سازی دیدگاه آنها چندان دخالتی نداشته است. بعضی از هنرپژوهان در جدا کردن این سه تن، چندان مبالغه ورزیده‌اند که برای اذهان کم‌اطلاع به مثابه قانون قطعی و مصوب تلقی شده است.

کافی است که پژوهشگر اندک شناختی از تاریخ و اجتماع دوره صفوی داشته باشد و به شیوه‌ای آزاد و فارغ از هر نوع تعلق به این دوره برنگرد و وقایع و شواهد را بر کاود و آن وقت است که بی‌هیچ پیچیدگی درمی‌یابد که آقا رضا، رضا، و رضا عباسی یک تن هستند در قالب سه اسم و سه رقم. چگونه امکان دارد که قاضی احمد قمی و اسکندر بیگ منشی که هر دو هم دوره و شاید هم هم‌کاسه رضا بوده‌اند، در شرح حالهای خود از او، تنها از یک تن صحبت کنند و دورضای دیگر را وایبند یا نادیده بگیرند؟ این تناقض تاریخی را خانم کبیری در بررسی و پژوهش خود درباره رضا و آثار و احوال او کاملاً به‌گونه منطقی و متین حل می‌کند. «تن و بدنه پژوهش او بر این محور سامان یافته که آقا رضا، رضا، و رضا عباسی یک تن هستند نه سه تن مجزا؛ منتها جریانهای چند سویه اجتماعی - تاریخی این چند گونگی را در اسم و رقم او پدید آورده است. کبیری برای بازسازی شرح حال رضا به اطلاعات چهار منبع - دو منبع مکتوب و دو منبع مصور - اتکا می‌کند. او از روی اطلاعاتی که اسکندر بیگ منشی در تاریخ عالم‌آرای عباسی و قاضی احمد قمی در گلستان هنر خود عرضه می‌کنند، سه دوره از زندگی رضا را بازآفرینی می‌کند:

۱. دوره آغازین زندگی هنری او که با ورودش به دربار مقارن است.

۲. دوره دوری از دربار پس از مدتی کار در نقاشخانه سلطنتی.

۳. دوره بازگشت به دربار تا پایان عمر.

کبیری در دوره اول زندگی رضا، محیط هنری و آثار نخستین وی را محل بحث قرار می‌دهد. او معتقد است که فقدان عنایت دربار به کتاب‌آرایی و نقاشی در زمان سلطنت محمد خدابنده، هنرمندان را به دربارهای دیگر کشاند و از جمله این که رضا و پدرش علی‌اصغر کاشانی که خود نقاشی فحل بود، پس از سال ۹۸۴ ه.ق به احتمال زیاد به مشهد یا هرات یا کاشان رهسپار شدند. چنانکه شیخ محمد هم در این دوران عسرت به خراسان بازگشت و به خدمت عباس میرزا فرزند شاه یا اعضای محفل درباری او درآمد. آثار رضا در این دوره با دیدی نو و خط‌پردازی عالی و رنگ‌بندی پرمایه کار شده است. رضا مهارت و چیره‌دستی خود را در پردازش شال‌کمر و دستار و ردای پیکره‌ها و جزئیات منظره به ثبوت می‌رساند و بخصوص در نقش‌انتهای شالها و حمایلها و دستارها، از قلم‌گیری ظریف بهره می‌گیرد و هم‌حسی خود را با بافت اثر بویژه در اجرای خزجمله‌ها و موی پیکره‌ها به نمایش می‌گذارد. کبیری معتقد است که رضا در اواخر این دوره در کنار هنرمندانی چون صادقی بیگ افشار و سیاوش گرجی کار می‌کرده و ظاهراً کار مشترک آنها کتاب‌آرایی شاهنامه بوده است. صادقی بیگ (در مقام کتابدارباشی) و رضا حتی از نظر خصوصیات شخصی - بدخلقی، تنگ‌حوصلگی، سرداختلاطی - شبیه به هم بوده‌اند و چنان رابطه‌ای با هم داشته‌اند که موجب تأثیر و تأثر آثار هم شده‌اند. البته تأثیرپذیری رضا از شیخ محمد و محمدی را نیز نباید فراموش کرد. با جلوس شاه عباس به تخت سلطنت در سال ۹۹۶ ه.ق تمامی هنرمندان از جمله رضا در قزوین گرد آمدند و کتابخانه را احیا کردند. کبیری فصول دیگر کتاب خود را بر پایه آثار رضا می‌نهد، از طراحی‌ها و نقاشی‌های او از روستاییان و لوندان و زائران در دهه ۹۹۸ ه.ق صحبت می‌کند و آنها را یک به یک به بحث می‌گیرد. در این دوره است که رضا به برخی تدابیر جدید دست می‌یابد و بتدریج ویژگیهای مستقل هنر خود را پدیدار می‌سازد. تغییر بابتخت از قزوین به اصفهان در سال ۱۰۰۶ ه.ق، تک‌چهره‌های اصفهان را بار می‌آورد ولی مسیر زندگی رضا را نیز دستخوش نوسان و تغییر می‌کند و دوران سرکشی او را فراز می‌آورد.

این تغییر مزاج و رویه ظاهراً در بین سالهای ۱۰۱۱ تا ۱۰۱۸ ه.ق رخ می‌دهد. کبیری این دوره را «بحران میان‌سال» رضا تعبیر می‌کند. این دوره مصادف است با لشکرکشی شاه عباس به آذربایجان و شروان علیه عثمانیان که مدت چهار سال به طول می‌انجامد. در این

لشکرکشی بعضی از درباریان از جمله علیرضای عباسی خوشنویس (که ظاهراً در این دوره ریاست کتابخانه را به عهده داشته) و اسکندر بیگ منشی مورخ حضور داشتند ولی اثر و شاهدهی حاکی از حضور رضا در ملازمت شاه نیست؛ در حالی که رضا در سال ۱۰۱۱ هـ.ق. برای نخستین بار از عنوان «عباسی» در رقص بهره گرفته و عنایت مخصوص شاه را به خود جلب کرده بود، در این سالهاست که رضا از دربار و درباریان اعراض می‌جوید و آنها را وامی‌گذارد.

کنبی معتقد است که رضا در این دوره، روی به اقلیم عرفان می‌برد و مرید یکی از عارفان - شاید درویش غیاث‌الدین سمنانی - می‌شود و دلبستگی خاصی به فتوت و اخوت پیدا می‌کند و بالایه‌های پایین جامعه یعنی آن لایه‌هایی که اسکندر بیگ منشی از آنها به «هرزگان و کشتی‌گیران» و قاضی احمد از آنها به «نامرادان و لوندان» تعبیر می‌کند آخت می‌شود و زندگی آزادسر و صوفی‌واری در پیش می‌گیرد و این الفت با طبقات پایین جامعه در آثارش ظهوری زنده و ملموس می‌یابد.

کنبی دلیل دوری رضا از دربار را در تغییر و تحولی می‌بیند که اقدامات شاه عباس موجب آنها می‌شود تا آنجا که در پسندهای روز تغییری درخور پدیدار می‌گردد و این چیزی نبود که با طبع هنری و روحیه تنگ حوصله و بدمزاج رضا سازگار باشد. رضا در این دوره تعلق به جامعه دارد ولی به عقیده کنبی، نوعی تنهایی و تشویش و اضطراب و اختناق ژرفای وجود او را می‌کاود و آزارش می‌دهد و به نوعی در بیقراری ایرها، نوسان رنگها، ناآرامی صخره‌ها و سنگها و درختان، فضاهای زیستی دلتنگ‌کننده و حتی نگاه نگران پیکره‌های او بازمی‌تابد. تحولات سیاسی عصر شاه عباس، همدوش با تحولات اقتصادی ایران است و این تحول اقتصادی دامن رضا را نیز می‌گیرد. نیروی قریحه و استغنا در برابر قدرت پول رنگ می‌بازد و نیاز مالی او را وامی‌دارد که زندگی آکنده از محرومیت خود را واگذارد و دگرباره در پی کسب اعتبار پیشین خود در دربار باشد. بار دیگر آن «رضا و آقارضا»ی کوچک و بازار اصفهان به «رضا عباسی» محافل درباری تبدیل می‌شود. رضا در این دوره بازگشت است که پخته و پرورده و با الهام از باورها و آرمانهای گذشته و بالبخندی طنزآمیز، بازنمایی پدیده‌های پیرامون خود را هدف می‌گیرد و جد و طنز را به هم می‌آمیزد تا روایتگر واقعی عرصه‌های سیاسی، اجتماعی زمانه خود باشد. این رویکرد او را شاید بتوان در نگاره نشمی کمانگر با عمق بیشتری دید. نگاره نشمی کمانگر او آکنده از طنز و طبیعت و حقیقت است. آن کمانگرانی که زمانی در کسوت قزلباشان و هواخواهان جانشینار، شهرت و صلابت برای صفویان به ارمغان می‌آوردند، حال بر اثر دگرگونیهای پرشتاب و بیایی و گردش کار و برگشتگی روزگار تبدیل به شیران علم شده‌اند و بادم و دود و قلیان و عیش و عشق و تنقل و تفتن، چیزی شده‌اند در حد دون کیشوت زمانه!

کنبی برای اثبات یکی بودن «آقارضا» و «رضا عباسی» و سال فوت او به دو تصویر از او تمسک می‌جوید. در تصویری که رضا به تقلید از اثر بهزاد کشیده، دو شکل نام او یعنی «رضا عباسی» و «آقارضا» اولی به قلم و رقم خود او و دومی به قلم و رقم فرزندش شفیع عباسی (که خود بعدها از نقاشان نامدار روزگار شد) آمده و کاملاً روشن است که این دو اسم اطلاق بر یک تن واحد دارد. در تصویری هم که شاگردش معین مصور از او می‌کشد، تاریخ مرگ او یعنی سال ۱۰۴۴ هـ.ق را ثبت می‌کند و این سرنخ مناسبی است برای کنبی تا بعضی از مقاطع زندگی رضا را با وثاقت قابل قبولی بازآفرینی کند.

از ویژگیهای چشمگیر کتاب کنبی فصل‌بندی سنجیده آن بر پایه موضوعات آثار رضاست، چنانکه فصلی هم به رونمایی وی از آثار بهزاد اختصاص داده است. البته این فصل‌بندی موضوعی، همه برخاسته و بر ساخته تحول و دگرگونی زندگی هنری رضاست. از این رو، بر وفق این رویکرد، هنگامی که از طراحی‌ها و نقاشی‌های دراویش و شیوخ بحث می‌کند آن را در فصل نهم، یکی از فصول نهایی کتاب، قرار می‌دهد چون ارتباطی مستقیم با زندگی پسین رضا دارد. بر همین سیاق، فصل دهم را به طراحی‌ها و نقاشی‌های رضا از دلبران، عشاق، و طرفه‌خویان اختصاص می‌دهد که حاوی بازگشت رضا به دربار است و بی‌پیرایگی و صیقل‌خوردگی و صراحت خط و صفای رنگ از ویژگیهای این آثار است.

بخش کاتالوگ کتاب نیز از بخشهای نکته‌آموز و مجاب‌کننده است. آنچه کار کنبی را برجسته می‌سازد، تسلط او بر تمامی آثار پراکنده در موزه‌ها و مجموعه‌ها و نکته‌چینی از تمامی پژوهشگران هنر و اخبار و آثار آنهاست. یکی از جاذبه‌های این کتاب داشتن سه نوع افزوده است، بخصوص افزوده نخست آن که درباره تاریخ‌نگاری راجع به رضاست و تمامی پژوهشهای پیشین را در شمول خود دارد. نویسنده با

این کار بر هویت کار خود نیز تأکید ورزیده است. در افزوده سوم نیز آثار مردود و انتسابهای مشکوک را فحص کرده و گاهی علت و دلیل خود را از نپذیرفتن اثر شرح داده است.

نکته درخور علاقه‌مندی نویسنده به موضوع کارش است و همین علاقه موجب شده تا اثری شایسته درباره رضا عباسی پدید آورد. این اثر تنها پژوهش مفصلی است که آگاهیهای روشنی درباره رضا عباسی و آثار او، به طرزی بلیغ و رسا، پیش رو می‌نهد. از این رو، بایسته بود که به زبان فارسی هم ترجمه شود تا خوانندگان فارسی‌زبان نیز از تفصیلات و جزئیات آن بهره بگیرند.

چند نکته درباره ترجمه قابل یادآوری است. تمامی تواریخ در متن اصلی به میلادی بوده در متن فارسی تواریخ هجری قمری هم بدان افزوده شد جز در مواردی که مربوط به دهه میلادی می‌شده؛ در این صورت عیناً دهه میلادی ذکر گردید. بعضی از عناوین فصول کتاب با بهره‌گیری از متون هنری دوره صفوی برگزیده شد، مثل کلمه «لوندان» که در گلستان هنر ذکر شده است و غیر آن. در چند جا برای از میان بردن اشتباه یا عرضه اطلاعات بیشتر، به توضیح مترجم نیاز بود که با افزودن زیرنویس انجام شد.

در این مقام لازم می‌دانم که از استاد مهدی حسینی، استاد محترم دانشگاه هنر، که متن اصلی کتاب را با گشاده‌دستی در اختیارم گذاشتند، تشکر کنم. از مسئولان محترم فرهنگستان هنر هم که به طرزی بایسته امکانات ترجمه و چاپ این اثر را فراهم کردند، کمال امتنان را دارم. از عزیز نادیده‌ام، احمد رضا نقاء که زحمت مقابله متن ترجمه شده را با متن اصلی بر عهده داشتند و به روان‌سازی متن کمکی بایسته کردند، تشکر می‌کنم.

ی. آژند

۱۰ فروردین ۱۳۸۳